

Reading the Story of Kaykhosrow's Hatred, in the Lustre Tile of Ilkhanid

Mohammad Mirshafiee *

Assistant Professor, Islamic Art University of Tabriz.

Abstract

Lustre painting is one of the techniques that has provided a very good basis for painting on glazed ceramic canvas. The patriarchal era is considered as the peak of the flourishing of Lustre painting. Countless works have been painted on various types of tiles, inscriptions and utensils with the Lustre technique. Reading and understanding many of these works has not yet been studied and requires a lot of research. These works have different religious themes, national literature, etc. Literary stories have always been a source of inspiration for artists in connection with literature in the Islamic era. Ferdowsi's Shahnameh, written in the 4th century AH, is one of the sources in which artists have reflected different parts of the Shahnameh in their works.

Therefore, in this research, an attempt has been made to analyze a golden-colored work belonging to the patriarchal period. In this research, to answer the question, what does the painting of this work represent? And what is a narrator? An attempt was made to read the narration of tile painting by examining and describing the images of the work, in comparison with the text of Ferdowsi's poems.

The selected work in this research is a sunflower tile that has the shape of a sun and belongs to the building of Imamzadeh Shah Ismail near the city of Qom. This tile is currently kept in the Astan Museum of Hazrat Masoumeh in Qom. This work has an inscription in the margin, but the name of the creator or the painter is not mentioned on it. At the end of the inscription, the year of creation of the work is given as 661 AH. Therefore, this tile belongs to the 7th century, i.e. the beginning of the Ilkhanid period, which is painted with a high-quality golden enamel technique. The museum has also recorded the above date under this tile. The above-mentioned tile production belongs to Kashan. The tile is mostly intact,

but the human images have been damaged in such a way that their faces and eyes have been hit with a hard object and destroyed.

The method of this article is descriptive-analytical and it is a collection of field and library materials. The results show that this lustre painting tile has a literary theme and is taken from the story of Kaykhosrow's battle with Afrasiab in Ferdowsi's Shahnameh, and the painter has creatively portrayed a part of this story. At the end of the inscription, the year of tile construction is mentioned as 661 AH. Therefore, according to the above poems, it can be guessed in the analysis of Kashi's painting that these three horsemen can be the three characters of Rostam, Lahrasab and Ashkesh, who join him to fight with Afrasiab on the order of Kaykhosrow. And perhaps the painter wanted to depict a part of the gathering of the army chiefs by Kaykhosrow. It can also be guessed that the horse rider in the middle, with an umbrella-like canopy spread over his head, could be Rostam since it has a higher status. Of course, this possibility is not certain, and it is possible to be confirmed or rejected by obtaining other documents in this field, including the discovery of other tiles from Imamzadeh Ismail Qom. One of the characteristics of creating literary works in the tiling of holy places is the transmission of narrations to the audience in such a way that by showing images of the concepts of courage, freedom, suffering, courage, evil and justice, they arouse the viewer's reaction, both internally and externally, and make them reflect.

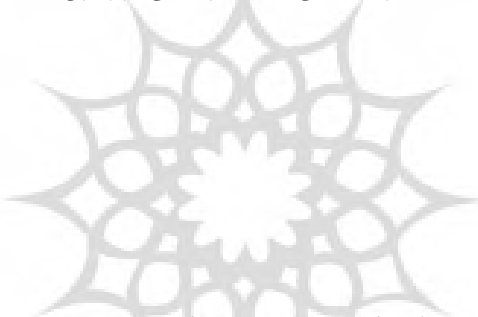
Keywords: Lustre painting, Tile painting, Ferdowsi Shahnameh, Narrative painting, Kaykhosrow story.

* Email (corresponding author): m.mirshafiee@tabriziau.ac.ir

خوانش روایت کین خواهی کی خسرو در کاشی نگاره زرین فام ایلخانی

سیده محمد میر شفیعی*

استادیار، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران



چکیده

نقاشی زرین فام از جمله فنونی است که بستر بسیار خوبی برای نقاشی روی بوم سرامیک لعابدار را فراهم کرده است. دوران ایلخانی به عنوان اوج شکوفایی نقاشی زرین فام مطرح است. آثار بی شماری روی انواع کاشی و کتیبه و ظروف با تکنیک زرین فام نقاشی شده‌اند. خوانش و فهم بسیاری از این آثار همچنان بررسی و مطالعه نشده است و جای پژوهش بسیاری را می‌طلبد. این آثار دارای مضامین مختلف مذهبی، ادبی، ملی و ... هستند. داستان‌های ادبی همواره منبع الهام هنرمندان در پیوند با ادبیات در دوران اسلامی بوده‌اند. شاهنامه فردوسی تألیف قرن چهارم هجری از جمله منابعی است که هنرمندان، بخش‌های مختلف شاهنامه را در آثارشان بازتاب داده‌اند. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است تا یک اثر زرین فام متعلق به دوره ایلخانی، مورد تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش، برای پاسخ به این پرسش که «نقاشی این اثر بیانگر چه مضمونی است؟ و روایتگر چیست؟» تلاش می‌شود تا با بررسی و شرح تصاویر اثر، در تطبیق آن با متن اشعار فردوسی، به خوانش روایی کاشی نگاره پرداخته شود. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است و گردآوری مطالب میدانی و کتابخانه‌ای است. نتایج نشان می‌دهد این کاشی نگاره زرین فام دارای مضمون ادبی و برگرفته از داستان نبرد کی خسرو با افراسیاب در شاهنامه فردوسی است و نقاش اثر، به صورتی خلاقانه بخشی از این داستان را به تصویر کشیده است. در انتهای کتیبه آن سال، ساخت کاشی به سال ۶۶۱ هجری ذکر شده است. یکی از ویژگی‌های خلق آثار ادبی در کاشی کاری اماکن مقدس، انتقال روایات به مخاطبان است به گونه‌ای که با نشان دادن تصاویری از مفاهیم شجاعت، آزادگی، رنج، رشادت، شرافت و عدالت؛ برای پندگرفتن مخاطبان است تا واکنش بیننده را برانگیزاند و آن‌ها را به تأمل وادارد.

واژگان کلیدی:

نقاشی زرین فام، کاشی نگاره، شاهنامه فردوسی، نقاشی روایی، داستان کی خسرو.

شاهنامه حضوری پُرننگ در عرصه هنر و ادبیات دوران اسلامی داشته است، به گونه‌ای که داستان‌های آن بر رسانه‌های سفال و سرامیک، فلز، فرش، پارچه، ... مصور شده‌اند. فردوسی شاهنامه را در چهارم هجری سروده است و تا حال حاضر این منظومه همچنان منبع الهام برای خلق آثار هنرمندان است. نقاشی زرین‌فام از جمله هنرهای فاخر دوران اسلامی به‌خصوص سده‌های میانی دوران اسلامی محسوب

می‌شود که هنرمندان آن به داستان‌های شاهنامه توجه داشته‌اند. کاشی‌های زرین‌فام کار شده در اماکن متبرکه، ضمن مضامین مذهبی، دارای مضمون‌های ادبی نیز هستند. از جمله آن‌ها کاشی زرین‌فام متعلق به امامزاده شاه اسماعیل قم است. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است تا کتیبه کاشی منتخب خوانش و بر اساس آن روایت نقاشی کاشی مورد تحلیل قرار گیرد.

۱. پیشینه پژوهش

طبق جست‌وجوی نگارنده، پژوهشی در خصوص نقاشی کاشی منتخب از امامزاده شاه اسماعیل صورت نگرفته است. اما تحقیقاتی در زمینه مطالعات تطبیقی و بررسی روایت‌های شاهنامه و سفال‌نگاره‌ها صورت گرفته است. از جمله می‌توان به مقاله روایت شاهنامه بر جام سفالین بیژن و منیژه تألیف عاطفه فاضل (۱۳۹۴) و همچنین مقاله انعکاس مضامین شاهنامه بر سفالینه‌های دوران سلجوقی تألیف قباد کیانمهر و دیگران (۱۳۹۵) اشاره کرد. نرگس فقیهی (۱۳۹۵) نیز مقاله‌ای با عنوان بررسی و تطبیق نقش سفالینه‌ها با موضوع بهرام گور و آزاده با نگاره‌های مکتوب آن در نگارگری از قرن ۶ تا ۱۲ تألیف کرده است. در بخشی از مقاله بررسی تطبیقی نگاره‌هایی از کهن‌ترین شاهنامه جهان با شاهنامه‌های مکتب شیراز اینجو تألیف معصومه عباچی و دیگران (۱۳۹۶)، به مطالعه تطبیقی نگاره‌های شاهنامه کاما با ظروف منقوش مینایی از دوران سلجوقیان پرداخته شده است. مقاله داستان بهرام گور و کنیزک در آینه ادب و هنر تألیف پرستو کریمی و میترا شاطری (۱۳۹۶) نیز از دیگر پژوهش‌هایی است که به مطالعه داستان شاهنامه و سفال‌نگاره پرداخته است. مقاله تأثیر شاهنامه فردوسی بر نقوش سفال‌های سلجوقی تألیف بنفشه میرزایی (۱۳۹۱) نیز در این راستاست. مقاله دیگر با عنوان تصویرگری مضامین شاهنامه در نقوش سفال مینایی تألیف ملیکا یزدانی (۱۳۹۸) به تأثیر شاهنامه بر سفال مینایی سلجوقی پرداخته است. در مقالات فوق هیچ اشاره‌ای به کاشی‌نگاره مورد مطالعه در این مقاله صورت نگرفته است.

۳. امامزاده شاه اسماعیل قم

امامزاده شاهزاده اسماعیل قم در دامنه ارتفاعات روستای بیدقان بخش کهک واقع شده است. این بقعه در فاصله تقریبی ۵۱ کیلومتری جنوب شرقی شهر قم قرار دارد که زیارتگاه سه تن از امامزادگان به اسامی شاهزاده اسماعیل و فرزندش حمزه، از نوادگان علی ابن جعفر (ع)، و شاهزاده محمد از نوادگان امام کاظم (ع) است. این امامزاده نزد مردم قم اعتبار بسیاری در دوران قدیم داشته و مردم زیادی برای ادای نذر و قربانی به این مکان مراجعه می‌کردند. بقعه امامزاده شاه اسماعیل از بناهای تاریخی استان قم و دارای درهای نفیس و کاشی‌های عالی و صندوق منبت روی مرقد است و شامل بقعه، گنبد، رواق، صحن و مسجد است (شکل ۱). قدمت این بنا مربوط به قرن هفتم هجری است و بانی اولیه آن مشخص نیست. با توجه به کاشی‌هایی که در آن مزار به کار رفته است، مخصوصاً کاشی‌هایی که دارای صورت سه سوار مغول است، می‌توان ادعا کرد که بانی بقعه مزبور از امرای دولت هلاکوخان و یا خواجه نصیرالدین طوسی قمی، وزیر وی بوده است. در متن این کاشی‌ها، تصویری برجسته از سه سوار است که ماری را در زیر پا می‌کوبند و کبوتری را بر فراز سر دارند. در حاشیه آن‌ها نیز کتیبه‌ای متضمن سوره‌های کوچک قرآن، مانند سوره مبارکه اخلاص و در پایان، تاریخ ۶۶۸ هـ ق یا ابیاتی از شاهنامه با تاریخ ۶۶۱ هـ ق دیده می‌شود. کاشی‌های مزبور به همراه کاشی‌های دیگر به‌جامانده از بنا با نقوش برجسته طاووس، لک‌لک و طوطی که در قسمت بالای آزاره به کار رفته بودند، در موزه آستانه مقدس حضرت معصومه نگهداری می‌شود (<https://shhmq.ir>).

آزاره بقعه به کاشی‌های خشتی هشت‌ضلعی آراسته بوده که فقط ده قطعه از آن باقی مانده است. این کاشی‌ها هنگام تأسیس موزه آستانه حضرت معصومه (ع) در شهر قم با اشیای کهن دیگر به آنجا انتقال داده شده است. در متن این کاشی‌ها تصویری برجسته از سه سوار وجود دارد که ماری در زیر پا و کبوتری بر فراز سر دارند. در حاشیه آن کتیبه‌ای با مضمون سوره اخلاص و در پایان، تاریخ ۶۶۸ هـ ق با ابیاتی از شاهنامه دیده می‌شود. بر دیوار کنار پله‌های بقعه، پیش از مرمت بنا ابیاتی روی کتیبه‌ای که مربوط به دوره قاجار بود، به چشم می‌خورد: حرم شاهزاده اسماعیل / شرح وصفش برون بود از

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و همچنین تطبیقی است. گردآوری اطلاعات به روش میدانی یعنی حضور در موزه آستان حرم حضرت معصومه (س) در قم و عکاسی از اثر مورد نظر، کاشی شمس زرین‌فام و همچنین کتابخانه‌ای است. بنابراین، ابتدا توصیف و تحلیل عناصر نقاشی و همچنین خوانش کتیبه کاشی صورت گرفته است. سپس بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده با توجه به خوانش کتیبه، به تطبیق با اشعار فردوسی، به خوانش روایت نقاشی فوق پرداخته شده است.

حد// اندرین روضه بهشت‌آیین / هیچ‌کس را دعا نگرود
رد// هست چون شمع محفل جعفر / هست چون سرو گلشن
احمد// نتوان کرد تا به روز قیام // شرح اوصاف او یکی از صد.
بر فراز بقعه، گنبدی است که احتمالاً در آغاز امر،
عرق چینی یا کلاه‌خودی شکل و سنگ‌پوش بوده اما در عصر
شاه‌اسماعیل اول صفوی، هنگام تعمیر صورت آن را به هرمی
شانزده ترکی تبدیل ساخته‌اند. این گنبد به قطر هشت و ارتفاع
نه تا ده متر، آراسته به کاشی‌های دوالی فیروزه‌ای دوره صفوی
بود که به مرور زمان، عمده آن‌ها ریخته و به‌تازگی بازسازی و

کاشی‌کاری شده است. تمام اضلاع گنبد دارای کتیبه‌ای به خط
بنایی با عبارات الله، محمد و علی است. بنای امامزاده شاهزاده
اسماعیل دو بار، یک‌مرتبه در سال ۹۲۰ هـ ق و در عهد سلطنت
شاه‌اسماعیل و بار دوم در سال ۱۲۱۴ هـ ق و در دوره فتحعلی
شاه تعمیر و تزئین گردیده است. منبری در امامزاده به تاریخ
۹۲۲ هـ ق قرار دارد و تزئینات زیبایی بر آن به چشم می‌خورد.
تعدادی از درهای بنا نیز احتمالاً متعلق به همین تاریخ است.
هم‌چنین درگاه بقعه از رواق، کاشی‌کاری زیبایی از دوره قاجاری
است با کتیبه‌های بسیار (https://www.cgie.org.ir).



شکل ۱: نمای گنبد و بنای امامزاده شاه‌اسماعیل در قم (نگارنده)

Fig. 1: The dome and building of Imamzadeh Shah Ismail in Qom (Author)

۴. نقاشی زرین‌فام در سده‌های میانی اسلامی ایران
نقاشی زرین‌فام در ایران از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است.
در دوره سلجوقی تولید سفالینه‌های زرین‌فام با شیوه تزئین
نقاشی روی لعاب قلعی و خمیره جدید فریتی به‌وجود آمد. این
شیوه جدید نقاشی سفال زرین‌فام با استفاده از خمیره فریتی
نخستین بار در حکومت سلجوقی در ایران شکل گرفت و تا
چند سده پس از آن ادامه داشت. اوج استفاده از زرین‌فام مربوط
به قرون ۷ تا ۸ هـ ق. بوده است. در سفالینه‌های این دوره
اشکال مختلفی از نقوش گیاهی، هندسی، انسانی، اساطیری،

حیوانی و کتیبه‌دار به خط‌های نسخ و کوفی به‌کار رفته است که
در این میان، کاربرد نقوش مختلف انسانی مثل سوارکار و
حیوانی از فراوانی بسیاری برخوردار بوده است. رونق و کاربرد
بسیار زرین‌فام طی قرون ۶ تا ۸ هـ ق. در ایران تا حدی بوده که
حتی در اشعار شاعران فارسی زبان این دوره مثل مولانا نیز
نمود پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که بارها از اصلاح کوزه زرین
در اشعار خود استفاده می‌کنند که همان کوزه‌های سفالین با
تزئین زرین‌فام بوده است. برای نمونه، مولانا در بخش غزلیات
دیوان شمس چنین بیان می‌دارد:

ترش ترش بنشستی بهانه درستی
هزار کوزه زرین به جای آن بدهم

که ندهم آبت زیرا که کوزه بشکستی
مگیر سخت مرا ز آنج رفت در مستی

تولید سفال زرین‌فام در ایران، در سده‌های میانی، مانند
بسیاری از مشاغل دیگر، درون خانواده از نسلی به نسل
دیگر منتقل می‌شده است. در واقع، به نظر می‌رسد که
سفالگری امتیاز انحصاری خانواده‌های معدودی از شیعیان
ممتاز بوده که در مراکز چون کاشان اقامت داشتند. زیرا
عموم این خاندان از سادات شیعی بودند (Blair, 2011: 935).
به همین دلیل هنر آن‌ها در تزئین بناهای مذهبی
متعلق به شیعیان، همچون حرم امام رضا (ع)، حرم امام علی

(ع) و حرم حضرت معصومه(س) و بقاع امامزادگان است
(Sediqian, 2015: 40).

**۵. کاشی زرین‌فام منتخب، متعلق به امامزاده
شاه اسماعیل قم**

اثر منتخب در این پژوهش یک کاشی کوکبی است که
دارای شکل شمس بوده و متعلق به بنای امامزاده
شاه‌اسماعیل در اطراف شهر قم است. این کاشی در حال

دارای پیوند درونی و همخوانی ذاتی بوده‌اند؛ زیرا هنرمند و سخنور مسلمان هر دو بر اساس بینشی یگانه و ذهنیتی مشابه، اثر خویش را خلق می‌کردند. آنان در عین آفرینش زیبایی‌های این جهان، همواره به عالم ملکوت توجه داشته‌اند و دست‌یافتن به صور مثالی و درک حقایق ازلی، اهداف آنان را تشکیل می‌داده است. علاوه بر این در هنر آنان، پیوسته قوانینی بین قلمرو زیبایی با جهان معنی وجود داشته است» (Akbari, 2003: 6). پس، واضح است که این پیوند و تعامل و دامنه تأثیرات، مجال و فرصت زیادی از جنبه‌های گوناگون برای پژوهش محققان ایجاد کرده است. بسیاری از هنرهای این دوره از جمله خوشنویسی، فلزکاری، معماری، منسوجات، کتاب‌آرایی، نقاشی، موسیقی و سفالگری، متأثر از ادبیات و اشعار شاعران این دوره بوده است (Saadat, 2013: 129).

کاشان یکی از مراکز مهم تولید سفال در ایران بوده و با هنرمندانی چون ابوزید کاشانی و ابی‌طاهر در تاریخ سفالگری ایران همچون نگینی می‌درخشد. هنر سفال و سرامیک کاشان نیز در بین سایر مراکز از اهمیتی بی‌نظیری برخوردار است. در کاشان، استفاده از انواع تکنیک تزئین سفال معمول بوده که مهم‌ترین آن تکنیک نقاشی با مینای زرین فام است. نقوش زرین فام عموماً متراکم، تصاویر انسان با صورت گرد مغولی، چشمان بادامی نقاشی می‌شده است. کتیبه‌های آن به خط کوفی و شکسته تعلیق در لبه ظروف و گاهی هم در وسط آن به چشم می‌خورد که شامل اشعار رباعی، ضرب‌المثل از شاعران بزرگ چون فردوسی، باباافضل کاشانی، انوری ظهیر فاریابی و حافظ است (Tawhidi, 2007: 275). «زرین فام کاشان در قرن ششم هجری، دارای طرح‌های افسانه‌ای و داستان‌های مختلف ادبی است مانند چهاربیتی‌های (رباعیات) خیام و ...؛ اما در قرن هفتم هجری تمایل بیشتری به کاشی‌های کناره‌دار با نوشته‌ها و نمایش‌هایی از شاهنامه فردوسی نقاشی شده است؛ مانند نقوش بهرام گور با معشوقه‌اش، آزاده، در حین شکار و با نقش شیری که گاوی را در حال دریدن نشان می‌دهد و...» (Saadat, 2013: 132). انواع مختلف کاشی در کاشان ساخته می‌شده و روی آن کتیبه‌هایی از اشعار شاعران دیده می‌شود. کاشی‌های به‌شکل شمشه از کاشان وجود دارد که آن را به تاریخ بین ۶۰۰ تا ۶۱۷ تاریخ‌گذاری کرده‌اند و ساخت آن‌ها را به ابوزید نسبت داده‌اند. این نمونه‌ها «عالی‌ترین قطعات تزئینی با نقوش انسانی و اشعاری به زبان فارسی دارند؛ حتی برخی از آن‌ها به‌نظر می‌رسد که صحنه‌هایی از شاهنامه یا سایر آثار ادبی باشند، گو اینکه اکثراً با تصویر مرسوم شخص در حالت نشستن تزئین شده‌اند» (Watson, 2003: 173). در کاشان همچنین صحنه‌های مربوط به نمادهای تاریخی میثاق و عشق مانند خسرو و شیرین نظامی گنجوی در ظروف، به سنت نگارگری در زمینه‌های موزین نقش شده و متأثر از آن، دلدادگان باریک‌اندام و مردان و زنان جوان را در حال گفت‌وگو در کنار جویبار در سفالینه‌های این منطقه می‌توان مشاهده کرد.

حاضر در موزه آستان حرم حضرت معصومه (س) در قم نگهداری می‌شود. این اثر دارای کتیبه‌ای در حاشیه است اما نام سازنده یا نقاش آن روی آن ذکر نگردیده است. در انتهای کتیبه سال ساخت اثر به تاریخ ۶۶۱ هجری آورده شده است. بنابراین، این کاشی متعلق به قرن هفتم یعنی اوایل دوره ایلخانی است که با تکنیک مینای زرین فام و با کیفیت بسیار عالی نقاشی شده است. موزه نیز ذیل این کاشی، تاریخ فوق را ثبت کرده است. ساخت کاشی فوق متعلق به کاشان است. کاشی تا حدود زیادی سالم است، اما تصاویر انسانی دچار آسیب شده‌اند، به‌گونه‌ای که صورت و چشم‌های آن‌ها با شئی سخت مورد اصابت قرار گرفته و از بین رفته است (شکل ۲).

۶. توصیف نقاشی روی کاشی زرین فام

در این کاشی که نقاشی آن با تکنیک زرین فام انجام شده است، تصاویر متراکمی را نشان می‌دهد که کل فضای کاشی را پر کرده است. نقش سه فرد اسب سوار با لباس‌های موزین به نقش چشم‌طاووسی در آن دیده می‌شود. این سه فرد مرد هستند و موهای بلند و ریش و سبیل دارند. به رسم نقاشی دوره سلجوقی و ایلخانی، دور سر هر سه فرد، هاله نور نقاشی شده است (شکل ۳). اسب‌ها به‌گونه‌ای نقاشی شده‌اند که گویا در حال تاختن هستند (شکل ۴). همچنین برکه‌ای در پایین کادر با ماهی نقاشی شده است (شکل ۵). از عناصر دیگر نقاشی، وجود سه پرنده در حال پرواز است که لابه‌لای گل‌ها و موتیف‌های گیاهی قرار دارند (شکل ۶) و یک سایبان در بالای کادر، در بالای سر اسب سوار میانی قرار دارد (شکل ۷). این کاشی دارای یک کتیبه در حاشیه است که با خط تعلیق نوشته شده و دورتادور کاشی به‌صورت یک نوار در قسمت لبه، به‌عنوان کادر حاشیه نقاشی شده است. در انتهای کتیبه تاریخ ساخت کاشی آمده است (شکل ۸).

۷. تحلیل نقاشی روی کاشی زرین فام

در این مرحله به تفسیر داده‌های مرحله قبل به تحلیل اثر می‌پردازیم. در این مرحله پرسش این است که کتیبه کاشی دارای چه مضمونی است؟ و چه ارتباطی بین کتیبه و تصاویر ترسیم شده روی کاشی وجود دارد؟ و شخصیت اسب‌سواری که در بین دو اسب سوار دیگر در مرکز اثر و سایبانی در بالای سر آن تصویر شده است، چه کسی است؟ و اثر چه ماجرای را روایت می‌کند؟ در ادامه، برای یافتن پاسخ ابتدا به نقش ادبیات و تأثیر آن روی آثار و هنرمندان دوران اسلامی اشاره و سپس به خوانش کتیبه نوشتاری کتیبه و تحلیل نقاشی کاشی پرداخته خواهد شد.

۸. ترسیم مضامین ادبی در نقاشی زرین فام سلجوقی و ایلخانی

در دوران اسلامی «ادبیات فارسی و هنر ایرانی همیشه



پښتونستان د علومو او مطالعات فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲: کاشی شمشه یا کوکبی متعلق به امامزاده اسماعیل، نگهداری در موزه قم (نگارنده)
Fig.2: Shamsheh or Kukbi tile belonging to Imamzadeh Ismail, kept in Qom Museum(Author)



شکل ۴: آیکن سه اسب در حال تاختن
Fig. 4: The image of three galloping horses



شکل ۳: آیکن سه فرد اسب‌سوار
Fig. 3: The image of three people on horseback



شکل ۶: آیکن سه پرنده در حال پرواز
Fig. 6: The image of three birds in flight



شکل ۵: آیکن برکه آب و ماهی
Fig. 5: The image of a water pond and fish



شکل ۷: آیکن سایبان بالای سر اسب سوار میانی
Fig. 7: Image of the canopy above the head of the middle horseman



شکل ۸: آیکن نوشتار در کادر حاشیه کاشی، شامل ابیات و تاریخ ساخت
Fig. 8: The image of the text in the border of the tile, including verses and the date of construction

۹. اثرپذیری نقاش کاشی منتخب از داستان

کی خسرو در شاهنامه فردوسی

با توجه به خوانش کتیبه کاشی، این چنین برداشت می‌شود که منتخبی از اشعار شاهنامه فردوسی روی کاشی نوشته شده است. با توجه به مضمون اشعار نوشته شده روی کاشی مشخص می‌شود که نقاش،

چو پیکار کی خسرو آمد پدید
بمدین داستان در بیارم همی
جهاندار اگرچند کوشد به رنج
همش رفت باید به دیگر سرای
تو از کار کی خسرو اندازه گیر
که کین پدر بازجست از نیا
نیا را بکشست و خود ایمنر نماند

ابیات فوق فردوسی اشاره به این مطلب دارد که در نظم داستان پیکار کی خسرو درفشانی کند و در سخنوری جادوی‌ها به کار برد. و سرانجام چنان که شیوه پسندیده اوست، از گردش روزگار و از شگفتی‌ها که بلندآسمان نو به نو دارد، از عزت و ذلتی که نصیب می‌سازد و اینکه بهره یکی را درد و رنج و دیگری را شهادت و قند می‌گرداند، سخن می‌گوید و آدمی را از آن تنبیه می‌دهد. و در این حال است که مردمان باید در برابر رنجی که می‌برند، به کینه‌کشی و نازش به گنج و مال نیندیشند. از کار شاه کی خسرو سرمشق گیرند، چراکه کی خسرو کین پدرش را از پدربزرگش یعنی افراسیاب گرفت و برای این کار شمشیر و تدبیر و علم را به خدمت گرفت. کی خسرو نیاکان (پدربزرگ خود) را کشت اما با آن پیروزی، خود نیز در این جهان باقی نماند و جهان از او فرمانبرداری نکرد و هیچ کس پرچم او را برافراشته نگه نداشته است (Dabirsiaghi, 1999: 5).

۱۰. داستان کین خواهی کی خسرو از افراسیاب

بر اساس این داستان، جنگ بزرگ کی خسرو یکی از جنگ‌های بزرگ شاهنامه است که میان کی خسرو، پادشاه ایران، و افراسیاب، پادشاه توران، رخ داد. این جنگ از جمله مهم‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های میان ایران و توران است که در پایان به کشته شدن افراسیاب انجامید و کین سیاوش توسط کی خسرو از تورانیان ستانده شد. کی خسرو پس از پادشاهی، برای خون خواهی سیاوش (پدر کی خسرو) طوس را با سپاهی برای جنگ به توران می‌فرستد. در این جنگ، فرود کشته شد و طوس شکست خورد. در لشکرکشی دوم رستم به یاری طوس و ایرانیان می‌شتابد. پس از آن کی خسرو سی هزار لشکر نامدار و سواران شمشیرزن، رستم، سران و بزرگان ایران زمین را گرد آورد و به خون خواهی سیاوش برانگیخت. لشکر به فرماندهی رستم به راه افتاد و بر توران چیره شدند. رستم گنگدژ را گشود و بر جای افراسیاب نشست. سپس، پیشروان سپاه ایران به فرماندهی کی خسرو بر پیشاهنگان سپاه افراسیاب یورش بردند

داستان کی خسرو را به تصویر کشیده است؛ لذا می‌توان گفت که این نقاشی در واقع بخشی از داستان کین خواهی کی خسرو از افراسیاب را روایت می‌کند. بر این اساس در داستان جنگ کی خسرو با افراسیاب، هفت بیت از اشعار فردوسی انتخاب و در حاشیه کاشی نوشته شده است. این اشعار عبارت‌اند از:

ز من جادوی‌ها بیاید شنید
به سنگ اندرون لاله کارم همی
بتازد به کین و بنازد به گنج
بماند همه کوشش ایمنر به جای
کهن گشته کار جهان تازه گیر
به شمشیر و هم چاره و کیمیا
جهان نیمنز منشور او را نخواند

و آنان را شکست دادند. جنگ چهل سال به درازا کشید. افراسیاب گریخت و از جیحون گذشت. پس از آن در پس چین به نیرنگ از دریا گذشت و در گنگدژ پنهان شد. کی خسرو به دنبالش رفت و چون به چین رسید، با کشتی از دریا گذشت و به گنگدژ رسید. اما به افراسیاب دست نیافت و به ایران بازگشت.

کشته شدن افراسیاب:

پس از چندی، فردی به نام هوم افراسیاب را تنها و زبون و آواره می‌بیند و او را می‌شناسد و دستگیر می‌کند. سپس پیکی نزد گودرز می‌فرستد تا بیاید و یقین کند که آن فرد، افراسیاب است. چون گودرز رسید، افراسیاب با جادو می‌گریزد و در آبیگری پنهان می‌شود. گودرز برادر افراسیاب را برهنه کرده و تازیانه می‌زند. افراسیاب از فریاد او طاقت از کف می‌دهد و از آب بیرون می‌آید. گودرز او را دستگیر می‌کند و به ایران می‌فرستد. کی خسرو او را خسته و زبون می‌بیند و بی‌درنگ شمشیر کشیده و او را به دو نیم می‌کند. اما اندوهگین می‌شود و می‌گرید و اشک خود را به آتش پاک می‌کند و فرمان خاکسپاری او را می‌دهد (Ismailpour, 2010: 63).

فرجام پادشاهی کی خسرو:

سرانجام کار پادشاهی کی خسرو برای هرکسی شگفت‌آور است. کی خسرو پس از شصت سال پادشاهی پیروزمندانه و نیک‌گرایانه، برای آنکه در دام منی و غرور گرفتار نشود و از فرمان یزدان سر نتابد و در پی آن فره ایزدی از او دور نشود، دست از پادشاهی می‌کشد! بنابراین، یکی از شگفتی‌های تاریخ پادشاهی ایران باستان روی می‌دهد! پس از کناره‌گیری، دیگر کسی کی خسرو را ندید، گمان رفت که او برای ستایش یزدان به کوه‌ها رفته و ناپدید شده است. گروهی از تاریخ‌نگاران از عروج و به آسمان رفتن کی خسرو سخن به میان آورده‌اند. در بین پیروان زرتشت نیز چنین باوری روان است که: کی خسرو در



آینده به همراه سوشیانت پدیدار خواهد شد و بدی‌های جهان را از میان برمی‌دارد. سهروردی بر این باور است که کی‌خسرو عارفی روحانی بوده است و نفس او منقش به انوار قدس الهی بوده و در پایان عروج کرده است (https://www.mehremihan.ir).

در تحلیل بهتر نقاشی کاشی، می‌توان این چنین تحلیل کرد که در این نقاشی، سه شخصیت سوار بر اسب در حال تاختن به یک جهت می‌باشند. با توجه به ساییانی که بالای

نشست از بر تخت با تاج شاه چو بر پشت پیل آن شه نامور

به مرزی که لشکر فرستاده بود چو لهراسب و چون اشکش تیز چنگ دگر نامور رستم پهلوان بفرمودشان بازگشتن تن به در

ایبات فوق این‌گونه توصیف می‌کنند که شاه (کی‌خسرو) برای جنگ و یکسره کردن کار افراسیاب تصمیم می‌گیرد و بر تخت پیروزه بالای پیل قرار گرفت و به رسم معهود در چنین حال ناموران و بزرگان به حضور وی روی آوردند و لشکرها که به نقاط دور و نزدیک با سرداران و پهلوانانی چون جهان پهلوان رستم و اشکش و لهراسب فرستاده بود، به دستور کی‌خسرو بازگشتند و نامه به نامداران کشور فرستاده شد که برای جنگ نهایی با افراسیاب آماده و ساخته و مجهز به درگاه آیند (7: Dabirsiaghi, 1999).

بنابراین، با توجه به اشعار فوق چنین برمی‌آید که در تحلیل نقاشی

شخصیت وسطی قرار دارد، می‌توان برداشت کرد که این شخصیت از دو تن دیگر برجسته‌تر است. بنابراین، برای پاسخ به این پرسش که نقاشی فوق چه بخشی از داستان کین خواهی کی‌خسرو را روایت می‌کند، و اینکه این سه شخصیت چه کسانی می‌توانند باشند، اشعار فردوسی در این داستان مورد بررسی قرار داده شده است. در ابیات بعدی در این داستان به ابیاتی برمی‌خوریم که حدوداً ده بیت بعد از ابیات منتخب و نوشته شده روی کاشی چنین آمده است:

خروش آمد از دشت وز بارگاه زدی مهره در جام و بستنی کمر

بسی پند و اندرزها داده بود که از ژرف دریا ربودی نهنگ پسندیده و راد و روشن روان هر آن کس که بد گرد و پرخاشخر

کاشی می‌توان حدس زد که این سه سوار می‌تواند سه شخصیت رستم، لهراسب و اشکش باشد که به دستور کی‌خسرو برای جنگ با افراسیاب به وی می‌پیوندند. و چه بسا نقاش خواسته است بخشی از گردآوری سران سپاه توسط کی‌خسرو را به تصویر بکشد. همچنین می‌توان حدس زد اسب سواری که در وسط قرار دارد و ساییانی به صورت چتر بالای سر وی گسترده است، می‌تواند رستم باشد. چراکه از جایگاه بالاتری برخوردار است. البته این احتمال قطعی نبوده و چه بسا با به دست آمدن اسناد دیگر در این زمینه از جمله پیداشدن کاشی‌های دیگر از بنای امامزاده اسماعیل قم می‌تواند مورد تأیید یا رد قرار گیرد.



شکل ۹: بخشی از اثر، سه شخصیت اسب سوار، لهراسب، رستم پهلوان و اشکش
Fig. 9: Part of the work, three characters on horseback, Lohrasb, Rostam and Ashkesh

شاهنامه فردوسی به عنوان بزرگ‌ترین حماسه تاریخی و ملی ایرانی است که، متضمن داستان‌های افسانه‌ای درباره قهرمانان ایران است. لذا در طول دوران اسلامی همواره مورد توجه مردم و هنرمندان بوده است و به خلق آثار هنری و به تصویر کشیدن داستان‌های آن انجامیده است. از طرفی تکنیک زرین‌فام که اوج شکوفایی آن در سده‌های میانی اسلامی ایران اتفاق افتاده است، روشی است بسیار مناسب برای نقاشی لذا در دوره سلجوقی و ایلخانی آثار سرامیکی و کاشی‌های بسیار نفیس با تکنیک زرین‌فام نقاشی و در این بین از مضامین مذهبی و ادبی بهره برده شده است. وقتی کاشی‌کاری زرین‌فام ایلخانی را می‌نگرید با دسته‌بندی انواع موضوعات ادبی در بقاع متبرکه، به اشتراکاتی دست می‌یابید که کارکرد آن هدایت مخاطب به جهانی از مفاهیم و معانی است. نقاشی‌های کاشی‌کاری بقاع متبرکه در ایران، گنجینه‌های تصویری ارزشمندی هستند که از جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسی منحصر به فردی برخوردارند. این نوع نقاشی کاشی، ترکیبی از مضامین مذهبی- ملی، در همراهی با طرح و نقش‌های معنا دار بر کاشی نقش بسته‌اند. در کنار تمام مضامین ادبی، داستان‌های شاهنامه یکی از زیباترین مضمون‌های آن است که داستان‌های مختلف آن به صورت روایی منبع خلق آثار نقاشان و کاشی‌کاران بوده است. این کاشی‌ها با مضامین ادبی در کنار کاشی‌های دارای مضمون مذهبی توأمان برای اماکن مذهبی و بقاع متبرکه کار شده است.

با نگاهی به تاریخچه نقاشی زرین‌فام در ایران می‌توان گفت، این هنر در دوران سلجوقی و ایلخانی در شهر کاشان به اوج شکوفایی خود رسیده است. در دوره ایلخانی خاندان شیعی ابوطاهر کاشانی و هنرمندان دیگر کاشان با تکنیک زرین‌فام به خلق اثر و نقاشی کاشی‌کاری اماکن مقدس همچون بنای امامزاده شاه اسماعیل در اطراف قم پرداخته‌اند. کاشی مورد مطالعه در این پژوهش شامل یک عدد کاشی با فرم شمسه یا همان کوکبی است متعلق به امامزاده شاه اسماعیل و دارای نقاشی و کتیبه‌ای به خط تعلیق است. خوانش کتیبه و تطبیق آن با شاهنامه، در این پژوهش نشان داد که این اثر روایتی از داستان کین‌خواهی کی خسرو است و ایاتی منتخب از این داستان شاهنامه را دربردارد. در انتهای کتیبه سال ساخت کاشی به سال ۶۶۱ هـ.ق ذکر شده است. با مطالعه ابیات دیگر این داستان در شاهنامه برای تحلیل نقاشی، روشن گردید که نقاش بخشی از داستان را انتخاب و به تصویر کشیده است به گونه‌ای که سه شخصیت اسب سوار در این نقاشی، لهراسب پهلوان رستم و اشکش سه سردار بزرگ کی خسرو هستند که به فرمان ایشان گرد هم آمده تا با تشکیل سپاهی بزرگ، کی خسرو را در نبرد با افراسیاب یاری نمایند. در نهایت، می‌توان گفت خلق آثار ادبی در کاشی‌کاری اماکن مقدس، انتقال روایات به مخاطبان است تا آنان را برای پندگرفتن به تفکر و تأمل وادارد.

References

- Abachi Masoumeh and Tavousi, Mahmoud and Fahimifar, Asghar. (2017). a comparative study of illustrations from the oldest Shahnameh in the world with the Shahnamehs of the Shiraz Injo, Honar-Ha-Ziba, Volume 22, N: ۴, pp. 63-74. [in Persian]
- [عباچی، معصومه و طاووسی، محمود و فهیمی‌فر، اصغر (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی نگاره‌هایی از کهن‌ترین شاهنامه جهان با شاهنامه‌های مکتب شیراز اینجو، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۲، شماره چهار، صص ۶۳-۷۴.]
- Akbari, Fatemeh. (2003). Pottery art and study of its motifs in Islamic eras, Art modares, 1st course, Volume 22, N۳: [in Persian]
- [اکبری، فاطمه (۱۳۸۲)، هنر سفالگری و بررسی نقوش آن در ادوار اسلامی، مدرس هنر، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱-۱۵.]
- Blair, Sheila. (2012). Abu Zaid Kashani's search among the inscriptions, translated by Safura Fazl Elahi, Payam Baharestan Magazine, Year 1, Volume 9, N: 55, pp: 988-559. [in Persian]
- [بلر، شیلا. (۱۳۹۱)، جست‌وجوی ابوزید کاشانی میان کتیبه‌ها، ترجمه صفورا فضل‌الهی، مجله پیام بهارستان، شماره ۵۵، سال ۱، دوره ۹، صص ۵۵۹-۹۸۸.]
- Dabirsiaghi, Mohammad. (1999). The Great War of Ki Khosro with Afrasiab, Drop Publishing, Tehran. [in Persian]
- [دبیرسیاچی، محمد (۱۳۷۸)، جنگ بزرگ کی خسرو با افراسیاب، نشر قطره، تهران.]
- Fadel, Atefeh and Khzaei, Mohammad. (2015). Narration of the Shahnameh on Bijan and Manijeh terracotta cups, Honar-Ha-Ziba, Volume 20, N: 1, pp. 49-58. [in Persian]
- [فاضل، عاطفه و خزایی، محمد (۱۳۹۴)، روایت شاهنامه بر جام سفالی بیزن و منیژه، هنرهای زیبا، دوره ۲۰، ش ۱، صص ۴۹-۵۸.]
- Ismailpour, Abulqasem. (2010). The Myth of Ki Khosro in Shahnameh, Bukhara, 13th year, N: 76, PP: 57-73. [in Persian]
- [اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، اسطوره کی خسرو در شاهنامه، بخارا، سال سیزدهم، شماره ۷۶.]
- Karimi, Prasto and Shatari, Mitra. (2015). the story of Bahram Gur and Kanizek in the mirror of literature and art, comparative studies of art, N: 10, pp. 17-34. [in Persian]
- [کریمی، پرستو و شاطری، میترا (۱۳۹۴)، داستان بهرام گور و کنیزک در آینه ادب و هنر، مطالعات تطبیقی هنر، شماره ۱۰، صص ۱۷-۳۴.]
- Kianmehr, Qabad and others. (2016). Reflection of Shahnameh themes on Seljuk period pottery, Islamic Art Studies Quarterly, Year 12, N: 24, pp. 33-44. [in Persian]
- [کیانمهر، قباد و دیگران (۱۳۹۵)، انعکاس مضامین شاهنامه بر سفالینه‌های دوران سلجوقی، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۳۳-۴۴.]
- Mirzaei, Banafsheh. (2012). the influence of Ferdowsi's Shahnameh on Seljuk pottery motifs, Naqsh Mayeh, Volume 5, N: 10, pp. 102-95. [in Persian]
- [میرزایی، بنفشه (۱۳۹۱)، تأثیر شاهنامه فردوسی بر نقوش سفال‌های سلجوقی، نقش‌مایه، دوره ۵، شماره ۱۰، صص ۹۵-۱۰۲.]
- Saadat, Seyedeh Narges. (2013). Interaction of poetry with pottery making techniques of Kashan Islamic Period, Kashan Research Journal, No. 10, pp. 122-145. [in Persian]



[سعادت، سیده نرگس و همکاران (۱۳۹۲)، تعامل شعر با تکنیک‌های ساخت سفالینه‌های دوره اسلامی کاشان، پژوهشنامه کاشان، شماره ۱۰، صص ۱۲۲-۱۴۵].
Tawhidi, Faiq. (2006). Pottery art and technique, University of Tehran, Tehran. [in Persian]
[توحیدی، فائق (۱۳۸۶)، فن و هنر سفالگری، دانشگاه تهران، تهران]
Watson, Oliver. (2003). Iranian golden pottery; Translated by Shokoh Zakiri, Soroush, Tehran. [in Persian]
[واتسون، الیور (۱۳۸۲)، سفال زرین‌فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری،

سروش، تهران].
Yazdani, Melika. (2019). Illustrating Shahnameh themes in enameled pottery, National Calligraphy and Painting Conference. [in Persian]
[یزدانی، ملیکا (۱۳۹۸)، تصویرگری مضامین شاهنامه در نقوش سفال مینایی، همایش ملی خوشنویسی و نگارگری].
[https://shhmq.ir/blog/uncategorized/P421.html\(1401/01/17\)](https://shhmq.ir/blog/uncategorized/P421.html(1401/01/17))
[https://cgie.org.ir/fa/article/257854\(1401/01/17\)](https://cgie.org.ir/fa/article/257854(1401/01/17))
[https://mehremihan.ir/tag\(1401/02/01\)](https://mehremihan.ir/tag(1401/02/01))

